

صورت‌های مغایر با ذات

در حقیقت، نامه‌نگاری مراوده با مرائی و اشباح است؛ نه تنها با شبیح گیرنده بلکه با شبیحی که نویسنده از ورای سطور و کلمات نامه از خود می‌پرورد.



در حقیقت، نامه‌نگاری مراوده با مرائی و اشباح است؛ نه تنها با شبیح گیرنده بلکه با شبیحی که نویسنده از ورای سطور و کلمات نامه از خود می‌پرورد. آخر چطور کسی به این پندار می‌رسد که انسان‌ها می‌توانند به وسیله نامه با هم مراوده و هم داستانی پیدا کنند. به آن که دور است می‌توان اندیشید و به آن که نزدیک است می‌توان دست یازید. جز آن هر چه هست فوق طاقبت بشری است. «فرانس کافکا»

زندگی نوشتاری و مکتوب، آنچنان که در فضاهای مجازی رایج است زندگی متظاهرا نه و دروغینی است نظیر آنچه کافکا در این سطور درباره نامه نگاری بیان داشته است. کافکا نامه نگاری را مراوده با مرائی و اشباح می‌نامد، یعنی ارتباط متقابل ریا و تظاهر با ریا و تظاهری دیگر یا هم داستانی شبیحی با دیگر اشباح سرگردان. امروز ولی دنیای مجازی تنها در نامه نگاری و رابطه دوجانبه دورادور خلاصه نمی‌شود. مراوده کتبی دیروز تبدیل شده به شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای متشکل از صورت‌ها و ظواهری خودپرونده که همه چیز را در خود دارند جز حضور و تنها به مدد همین غیاب است که می‌توان همچنان تظاهر کرد و از واقعیت گریخت و همین واقعیت گریزی است که دنیای مجازی را تحمل پذیرتر و حتی دوست داشتنی‌تر از دنیای واقعی کرده است.

فضای مجازی، فضایی است که اشخاص در آن خود را گزینش شده و حتی الامکان بی نقص، کامل و آرمانی نشان می‌دهند. به عبارت دیگر خود را آن طور که دوست دارند دیده شوند به نمایش می‌گذارند، نه آن طور که واقعاً هستند. دنیای مجازی فقط از آن جهت جذاب نیست که شلوغ و گسترده است و پر از دیدنی‌ها و شنیدنی‌های گوناگون و حواشی مهم‌تر شده از متن، بلکه شاید بیش از همه از آن رو محبوب و خواستنی باشد که اجازه می‌دهد افراد آرزوهای دیرینه‌شان را تحقق بخشند و مجالی پیدا کنند برای دیده شدن در اجتماع بدون احساس خودکم بینی و حقارت و هر آنچه از کودکی به خاطرش سرزنش شده اند و آنها را روز به روز به گوشه نشین‌تر کرده است. بعلاوه، جهان مجازی، جایی است که در آن، همه تظاهر می‌کنند و مثل دنیای واقعی نیست که دروغ گفتن مساوی باشد با فریب و خیانت و آسیب رساندن به دیگران. از این جهت دنیای مجازی مثل آن مهمانی کذایی فیلم «چشمان کاملاً بسته» می‌ماند که در آن همه با هم نقاب زده اند تا به صورتی دسته جمعی از عواقب رفتارشان بگریزند و برای ساعاتی هم که شده از قید و بند تعهد و قانون خلاصی یابند و هر کاری را که دوست دارند انجام بدهند.

کافکا در جایی دیگر در گفت و گو با گوستاو یانوش می‌گوید: «از هرچه صورتی مغایر با ذات خود دارد، می‌ترسم. ظاهر فریبنده، تله شر است. هر قدمی که برمی‌داری با آن رودرو هستی. چیزی هولناک‌تر از تظاهر که ماهیت را معکوس جلوه می‌دهد، نیست.» و این هولناکی، امروزه در فضای مجازی، رنگ باخته و به امری عادی بدل شده است. همه چیز حول محور ظاهر و تظاهر می‌گردد و همه هم این را می‌دانند و همه هم به رضایت از این وضعیت تظاهر می‌کنند! صورت (face) در فضای مجازی و بخصوص در مساله انتخاب دوستان، از معیارهای تعیین کننده به شمار می‌رود و با توجه به بی اهمیت شدن دیگر ویژگی‌ها، در ظاهر به یکی از اصلی‌ترین معیارها در ایجاد رابطه با دیگران تبدیل شده است. تعجبی هم ندارد، چراکه وقتی پندار و گفتار و رفتار، مبتنی بر ظاهرسازی باشد خود ظاهر به طریق اولی بر دیگر وجوه مقدم خواهد بود یا به بیان دیگر، وقتی توافق جمعی بر تظاهر تعلق یافته، صورت هر چیز بر باطن آن رجحان خواهد داشت.

دنیای مجازی و به طور خاص آنچه در شبکه‌های اجتماعی جریان دارد، یادآور آموزه‌های روانشناختی آدلر و به طور خاص نظریه شخصیت اوست. مفهوم شخصیت از نظر آدلر در قالب چند عنوان کلی تشریح کرده اند که عبارت است از: غایت گرایی، تخیلی، تلاش برای تفوق و برتری، احساس حقارت و مکانیسم جبران، علایق اجتماعی، سبک زندگی و من خلاقه. آدلر بر آن است که محرک اصلی رفتار بشر، هدف‌ها و انتظارات وی از آینده است و گرچه این اهداف و انتظارات به طور قطع در آینده وجود ندارند و نتیجه احساسات و خیالپردازی‌های خود شخص هستند، ولی اکنون او را به کوشش و فعالیت وامی‌دارند. به عقیده آدلر، انسان سالم قادر است خود را از قید این تخیلات رها کند و هنگام لزوم با واقعیات روبه‌رو شود.

آدلر مفهوم خود را به دو بخش تقسیم می‌کند. یکی خویشتن‌پنداری یا اعتقاد فرد به این که «من که هستم» و دیگری خود آرمانی یعنی اعتقاد فرد به این که «من چه باید باشم» یا «مجبورم چه باشم تا جایی در میان دیگران داشته باشم». هرگاه میان اعتقادات مربوط به خویشتن‌پنداری و خود آرمانی تعارضی به وجود آید احساس حقارت بروز می‌کند. به عقیده آدلر، زندگی انسان‌ها پیوسته تلاش برای رها کردن خود از احساس حقارت و نیل به احساس تفوق و برتری است که در مواردی به حالت‌های جبرانی نامطلوبی منتهی می‌شود و در جهت عملکرد اجتماعی سیر نمی‌کند و در پی حل مشکلات خاصی از زندگی نیست، بلکه برای خود مسیرهای خاصی پیدا می‌کند و فرد را به روان‌نژندی و تنهایی می‌کشاند. در این وضع، فرد در دنیایی از تخیلات و تصورات زندگی می‌کند و با واقعیت بیگانه است، از ابزار گوناگونی برای اجتناب از خواست‌های واقعی و رسیدن به

موقعیت های آرمانی استفاده می کند که او را از هر نوع خدمت به جامعه باز می دارد. (نظریه های مشاوره و روان درمانی، عبدالله شفیع آبادی، مرکز نشر دانشگاهی)

اما آیا از این سخنان می شود نتیجه گرفت که اعتیاد به دنیای مجازی نوعی بیماری و روان نژندی است و باید در پی درمان آن بود؟ اگر معیار سلامت روانی، زندگی بر مبنای واقعیات و حرکت در مسیر اعتدال و پایبندی به اصولی همچون صداقت و خودباوری باشد بله، می توان گفت حیات مجازی نوعی بیماری روانی است اما سؤال اینجاست که آیا ما در زندگی واقعی، پیراسته از این نقایص و کاستی ها هستیم؟ آیا در حیات غیرمجازی کمتر دروغ می گوییم و نقاب می زنیم و تظاهر می کنیم؟ مسلماً مجال تظاهر در حضور کمتر از غیاب است اما از طرف دیگر انتظار و توقع در زندگی واقعی به مراتب بیشتر از فضای مجازی بوده و همین، جرم دورویی در دنیای واقعی را سنگین تر می کند. در جهان مجازی، نقاب زدن عادت پذیرفته است و مشکل صرفاً قبح شکستگی است اما در فضای غیرمجازی هم با قبح دروغ سر و کار داریم، هم با قبح فریبکاری و خیانت که به مراتب آزاردهنده تر از تظاهر صرف است. در دنیای واقعی هیچ توافقی بر تظاهر عمومی وجود ندارد و در مناسبات اجتماعی بنا بر صداقت و امانت است. همین ویژگی موجب می شود در عالم واقع، افراد در قبال فریبکاری و دروغ، بسیار شکننده تر و آسیب پذیرتر از دنیای مجازی باشند و گاه حتی متحمل لطمات روانی جبران ناپذیری شوند که مختص به زندگی در جهان واقعی است. شاید اگر ما در زندگی واقعی، جور دیگر بودیم و صادقانه عمل می کردیم، فضای مجازی تبدیل به سبک زندگی امروزی ما نمی شد و جای روابط حقیقی و راستین را نمی گرفت اما وقتی در دنیای واقعی هم درست با همین دروغ ها و ظاهرسازی های ریاکارانه سر می کنیم دیگر چه جای شکایت از فضای مجازی که تو گویی آینه تمام نمای حرکات و سکنات ما در عالم واقع است؟ دیگر چگونه می توان با سرزنش مجاز، جانب واقعیت را گرفت و با بیانی رمانتیک و نوستالژیک نسبت به گذشته از مزایا و محاسن ارتباطات سینه به سینه ای گفت که قرین با مسئولیت و تعهد بوده و دوام بیشتری نسبت به روابط مجازی دارند؟ که به قول حافظ:

مرا که نیست ره و رسم لقمه پرهیزی
چرا ملامت رند شراب خواره کنم